

گفت و گو با جوزپه تورناتوره

مخاطب عام، اقتصاد سینما را سرپا نگه می‌دارد!



«جوزپه تورناتوره» نویسنده، کارگردان، تدوینگر و تهیه‌کننده، در روز بیست و هفتم ماه می سال ۱۹۵۶ در شهر پالمو ایالتیایا دیده به جهان گشود. در جوانی مدتی عکاس بود. در کارنامه‌ی او کارگردانی آثاری برای تلویزیون ایالتیایا نیز به چشم می‌خورد. کارنامه‌ی سینمایی تورناتوره را نگارش و کارگردانی دوازده فیلم بلند سینمایی تشکیل می‌دهد که «لنینگراد» آخرین آن‌هاست. با وجود تسلطش بر تدوین فقط تدوین یکی از فیلم‌هایش تحت عنوان «صرفاً برای رعایت تشریفات ساده» را بر عهده داشته است. تورناتوره در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ در مقام تهیه‌کننده‌ی چند اثر انگلیسی‌زبان در سینما فعالیت داشت. شخصیت سینمایی او را از بابت طنز شکننده‌ی فیلم‌هایش به «فلینی» نزدیک می‌دانند. آغاز فعالیت سینمایی‌اش به سال ۱۹۸۵ بازمی‌گردد، یعنی زمانی که اولین فیلمش را تحت عنوان «دکتر» با فیلمنامه‌ی از خودش جلوی دوربین برد. دکتر در میان آثار بعدی تورناتوره و حتی در زمان اکرانش مهجور و ناشناخته و خشی می‌نماید. سه سال بعد از آن تورناتوره با ساخت فیلم «سینما پارادیزو» توجه تماشاگران هموطن و در پی آن تماشاگران بین‌المللی را به سوی خود معطوف داشت. دو سال پس از اولین نمایش سینما پارادیزو تورناتوره فیلم سومش را با عنوان «همه خوب‌اند» با شرکت «مارچلو ماستریانی» ساخت. داستان این فیلم از این قرار است که مرد سالخورده‌ی از اهالی سیسیل یک روز تصمیم می‌گیرد تا به دیدار فرزندانش که در سراسر ایالتیایا متفرق هستند، برود. فیلم بعدی تورناتوره با عنوان «سگ آبی‌رنگ» در مدت زمان کوتاهی پس از فیلم همه خوب‌اند ساخته و اکران شد. این فیلم نتوانست موفقیت آثار پیشین تورناتوره را تکرار کند و به نوعی در کارنامه‌ی او اثری خشی به شمار می‌رود. تمام نیروی نهفته و حس سرشار تورناتوره در فیلم متفاوت صرفاً برای رعایت تشریفات ساده بروز می‌کند. آری، تورناتوره در سال ۱۹۹۴ فیلم جدیدش را می‌سازد. صرفاً برای رعایت تشریفات ساده، فیلمی جذاب است که در آن دو بازیگر مطرح سینمای جهان، «ژرار دپاردیو» و «رومن پولاتسکی»، به ایفای نقش پرداخته‌اند. داستان این فیلم بهانه‌ی بی‌بود برای تورناتوره تا به وسیله‌ی آن بتواند حقایق بزرگ‌تر زندگی را حلاجی کند؛ حقایقی مثل طبیعت، حافظه و توانایی انسان در بازسازی واقعیت! «ستاره‌ساز»، «افسانه‌ی ۱۹۰۰»، «مالنا» و «زن ناشناس» فیلم‌های بعدی تورناتوره هستند که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۶ ساخته شده‌اند. آن چه می‌خوانید ترجمه‌ی گفت‌وگویی است که در آن پیرامون نقش مخاطب در سینما سخن گفته است.

مهسا بوربختیار

همین‌طور است. واقعاً باید به این مسئله توجه داشت که مخاطب سینما چه می‌خواهد! این جدی‌ترین و کلیدی‌ترین پرسش سینمای امروز جهان است که پاسخ به آن به طور قطع راه برون‌رفت سینما از بحران‌های گاه و بیگاه آن را فراهم می‌سازد!

به این ترتیب باید به دنبال این باشیم که با دلایل و ترفندهای مختلف مخاطبان را ترغیب به حضور در سینما کنیم.

تمام دغدغه‌ی سینما این است که مخاطبان از دست رفته‌ی خود را بازیابد و آن‌ها را به سالن‌های سینما بکشاند اما ترغیب مخاطب نیاز به شناخت دارد؛ شناخت توانایی‌ها و کاستی‌های سینما، شناخت دقیق ذائقه‌ی مخاطب و شناخت مضامین مورد علاقه و نیاز او!

چگونه می‌توان مضامین مورد علاقه‌ی مخاطبان را شناخت؟ موضوعات مورد علاقه‌ی مخاطبان ریشه در باورهای آن‌ها دارد. ضمن این که بایستی نسبت به وضعیت اجتماعی، سیاسی و مقتضیات روز هم به شناختی کامل دست یافت.

... به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت باورهای مردمان در نقاط مختلف جهان مجبوریم که برای هر منطقه‌ی جغرافیایی یک الگوی فیلمسازی داشته باشیم.

جمله‌ی شما درست است به‌خصوص اگر به این مسئله توجه کنیم

در روزگاری که به سر می‌بریم، اصلی‌ترین معضل سینما چه می‌تواند باشد؟

بہتر است به جای لفظ معضل از لفظ «مسئله» استفاده کنیم. اصلی‌ترین مسئله‌ی سینمای روزگار ما، بررسی خواسته‌های مخاطب است به این معنا که هنوز هم به‌طور واقعی نمی‌دانیم مخاطبان سینما خواستار چه چیزهایی هستند! یعنی نمی‌دانیم که یک مخاطب از یک طبقه‌ی خاص دوستدار دین چه صحنه‌هایی بر پرده‌ی عریض سینماست!

صنعت سینما قدمت زیادی دارد، پس چرا بعد از این همه سال هنوز نتوانسته‌ایم در مورد خواسته‌های اصلی‌ترین موتور محرک سینما که همان مخاطب است به تفاهم برسیم؟

به خاطر این که در برهه‌های زمانی مختلف، نگرش مخاطبان متفاوت با یکدیگر بوده است. به همین علت هنوز هم قبل از ساخت هر پروژه‌ی گران‌قیمت و هزینه‌بر، کارگردان با این سوال تهیه‌کننده یا تهیه‌کنندگان روبه‌روست که آیا خواهیم توانست فیلمی باب طبع مخاطب بسازیم!

... بر این اساس می‌توان میان بحران‌هایی که گریبان سینما را گرفته و خواسته‌های مخاطبان ارتباط برقرار کرد؟!



که هم‌اکنون در بسیاری از نقاط دنیا صنعت سینما از نظر سخت‌افزاری هم با مشکلات بسیاری دست به گریبان است!

در این باره بیش‌تر توضیح دهید.

مخاطب وقتی پا به سالن سینما می‌گذارد، علاقه‌مند است که از هر نظر در رفاه و آسایش به سر برد؛ شما اگر نتوانید یک سیستم تهویه‌ی عالی در سینمایتان داشته باشید، نخواهید توانست مخاطب را مجبور به دیدن فیلمتان کنید حتی اگر فیلم شما یک شاهکار سینمایی باشد. متأسفانه این روزها به غیر از معدودی کشورها در اغلب نقاط دنیا شاهد مشکلات مربوط به تجهیزات فرسوده‌ی سینماها هستیم!

گروهی از کارشناسان با تأیید مسئله‌ی موانع سخت‌افزاری، بحران تکرار مضامین را از دیگر مسایلی دانسته‌اند که طی سالیان اخیر موجب زدگی مخاطبان از سینما گردیده است!

این هم بعد دیگری از مسئله است. آن چه سینما را از مخاطب جدا کرده، تکرار مضمون نیست بلکه استفاده‌ی نادرست از مضمون است، چرا که شما اگر یک گروه فیلمنامه‌نویس قوی داشته باشید می‌توانید تکراری‌ترین مضامین را هم دستمایه‌ی خلق یک کار عالی قرار دهید اما به جز معدودی کارگردان، بقیه در این زمینه عقب هستند.

دلیل این عقب‌ماندگی چیست؟

آن‌ها به درستی سلیق مخاطبان خود را نشناخته‌اند یا به بیان بهتر مضامین مورد علاقه و نیاز آن‌ها را دریافته‌اند، در حالی که این کار به هیچ وجه سخت نیست.

اکثر سینماگران و تهیه‌کنندگان روزگار ما هنوز گمان می‌کنند ساخت فیلم ترسناک با زمینه‌هایی فراوان از قتل و خونریزی فروش فیلم را تضمین می‌کند! هنوز بیش‌ترین حجم تولیدات سالانه‌ی سینمای هالیوود را فیلم‌های ترسناکی تشکیل می‌دهند که به سطحی‌ترین و کم‌مایه‌ترین شکل ممکن ساخته شده‌اند.

دلیل این رویکرد چه می‌تواند باشد؟

تلقی نادرست سرمایه‌گذاران از خواسته‌های واقعی مخاطب، اصلی‌ترین عامل این ناهنجاری است. بسیاری از تهیه‌کنندگان به‌روز حرکت نکرده و گویی هنوز هم در دهه‌های هشتاد و نود کار می‌کنند. البته این گروه فقط فیلم‌های بی‌کیفیت آن دهه‌ها را به عنوان الگو مد نظر قرار داده و به سراغ باکیفیت‌ها نمی‌روند. هنوز تلقی برخی تهیه‌کنندگان از فیلم جوان‌پسند، فیلم‌های اکشن - فانتزی است، آن هم اکشن‌هایی که به سخیف‌ترین شکل ممکن ساخته می‌شوند و حتی از تحریف تاریخ برای کسب درآمد بیش‌تر استفاده می‌کنند.

اما اکثر چنین فیلم‌هایی در گیشه شکست می‌خورند!

همین‌طور است. فروش چند سال اخیر این نوع فیلم‌ها پیامی کاملاً آشکار دارد. نگاهی به آمار فروش دو فیلمی که با عنوان «خوابگاه» و «هاستل» ساخته شدند، بیندازید؛ هیچ چیز غیرطبیعی وجود ندارد و همه چیز به‌طور کامل واضح و روشن است. مخاطبان سینما به راحتی و به‌بصراحت، سلیقه‌ی خود را اعلام می‌کنند ولی تهیه‌کنندگان زیادی هستند که فقط دل در گروی رؤیاهای خویش دارند!

فکر می‌کنید چرا پاره‌یی از تهیه‌کنندگان از معیار موفقیت یا شکست یک فیلم در گیشه جهت برنامه‌ریزی‌های آینده‌شان استفاده نمی‌کنند؟

موفقیت و شکست فیلم در گیشه واقعاً معیار خوبی برای شناخت علایق مخاطبان عام سینماست اما سینماگران متکبر و مغرور بی‌آن‌که

توانایی آن را داشته باشند، می‌خواهند سلیقه‌ی مردم را به میل خود شکل دهند و تمام مردم را آن‌چنان که خود تمایل دارند به سینما بکشانند!

تنوع مضمونی چه قدر در استقبال مخاطبان از سینما نقش دارد؟ بسیار زیاد. با نگاهی ساده به آمار سالانه‌ی جدول پرفروش‌ها این مسئله به‌طور کامل مشهود است که حتی اگر یک فیلم اکشن خوب و یک درام سیاسی خوب هم‌زمان با هم اکران شوند، باز هم مخاطب از هر دوی آن‌ها استقبال خواهد کرد.

پس در این‌جا هم کیفیت بالای کار مهم است، نه فقط یک گونه‌ی خاص!؟

صدرصد همین‌طور است، ولی بدبختانه نگاهی گذرا به آمار نشان از ناهماهنگی عمیق میان خواست مخاطبان و فیلم‌های ساخته شده دارد. یعنی فراوانی آن چه ساخته می‌شود، منطبق با فراوانی بیننده‌نیست! بله. این روزها شاهدیم که کمپانی‌های معظم فیلمسازی همواره فروش بالای سالانه‌ی خود را در بوق و کرنا کرده و کم‌تر آمار شکست‌های خود را اعلام می‌کنند و از این واقعیت پرده برمی‌دارند که بسیاری از فیلم‌هایی که ساخته‌اند، حتی نیمی از هزینه‌ی تهیه‌ی فیلم را برآورده نکرده است.

راهکار اساسی رفع این معضل را چه می‌دانید؟

سینما چاره‌یی جز این ندارد که خود را با سلیقه‌ی مخاطب هماهنگ کند!

مخاطب عام در این میان چه نقشی دارد؟

سینما بایستی هم برای مخاطب خاص ارزش قایل شود و هم مخاطب عام را دریابد ولی باید بداند آن چه اقتصاد سینما را سرپا نگه می‌دارد، مخاطب عام است. در این مسیر بایستی روی ساخت فیلم‌های عامه‌پسند خوب و باکیفیت سرمایه‌گذاری شود. سینما باید بتواند پاسخگوی نیازهای مخاطبانش باشد تا آن‌ها را به سالن‌های سینما بکشاند. برای این کار باید نیازها و علاقه‌مندی‌های مخاطبش را بشناسد. سینما اگر مخاطبش را دریابد، مخاطب نیازهایش را در هنرهایی دیگر مانند موسیقی جست‌وجو خواهد کرد! ■